

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی - حمد مقدّس از لفظ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلی - جلد ۳ (۱۶۳ بدیع)، لوح رقم (۲۴۳)، صفحه ۴۴۹ -

۴۱۵

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد مقدّس از لفظ و بیان سلطان بی زوالی را لایق و سزااست که جمیع کتب و صحف و زیر والواح عالم به اسمش مزین و به ثنائش ناطق و کلّ به این کلمه محکمه متقنه جامعه الهیه که از افق قلم اعلی اشراق نموده مکلف و مأمور. سوف یظهر من لایشار باشارة الکتب کلّها و شهد بذلك ما انزله الرحمن فی البیان بقوله جلّ و عزّ و قد کتبت جوهرة فی ذکره و هو انه لایشار باشارتی و لا بما ذکر فی البیان هل من ذی سمع لیسمع ما نطق به العندلیب علی الاغصان و هل من ذی بصر یراه بعین الرحمن قد اخبر کلّ نبیّ و کلّ رسول فی هذا الظهور الاعظم بانه لایعرف بدونه و لا بعین خلقه. و این کلمه مبارکه در جمیع کتب الهی مخصوص به این ظهور بوده و هست و لکن آذان را اشارات اهل فرقان و شبهات اهل بیان از اصغاء ندای رحمن منع نموده و ابصار را رمد ظنون و اوهام از مشاهده انوار آفتاب معانی محروم ساخته. هل من سابع یسبح فی هذا البحر من غیر اشاره و هل من متوجّه یتوجّه الی الوجه من دون جهة. این فوارس مضمار الحکمة و البیان الذین ما منعهم سبحات اهل الامکان عن التوجّه الی الله مالک الادیان. هل من ذی شیم یجد عرف القميص فی ایام الله منقطعاً عما سواه و هل من ذی استقامة یقوم و یقول ما انزله الرحمن فی الفرقان و ماصاح به الصائح فی ملکوت البیان الملک یومئذ لله الفرد الواحد العزیز المنان. اوست ظاهر و اوست ناطق بشأنی که اشارات و سبحات اولی الجلال و الجلال او را از ما اراد منع نمود به اعلی النداء اهل ملکوت انشاء را به افق اعلی دعوت فرمود بشأنی که از برای احدی از منصفین مجال اعراض و اعتراض نبوده و نیست. هو الذی باسمه نصبت الرايات و ارتفعت الاعلام طوبی لقوی مامعه طنین الذباب عن ربّ الارباب قام علی خدمة مولاه و شهد بما شهد به الله و اعترف بما اعترف به الله انه من اعلی الخلق لدی الحق یصلین علیه کلّ عارف بصیر و کل عالم خبیر. سبحانک یا اله الاسماء و فاطر السماء تسمع حنین اصفیائک فی فراقک و انین اولیائک و احتراق قلوبهم فی ایامک ای ربّ فاکتب لهم من قلم عطائک اجر لقائک و الذین شربوا من کوثر وصالک. ای ربّ اسألك بالاسم الاعظم الذی اضطربت به افئدة الامم بان توفّق اهل البیان علی الاقبال الی افق ظهورک و العمل بما امروا به فی کتابک. ای ربّ تراهم معرضین عن شطر عنایتک و متمسکین بما تمسک به اهل الفرقان فی ایامک تعلم یا الهی بانهم یرون الآیات و ینکرونها و یتکلمون بما تکلم به اولوا البغضاء و العناد عند ظهور مطالع و حیک و مظاهر نفسک و مصادر امرک و مشارق عرفانک. قد احاطت الآیات کلّ الجهات و هم عنها معرضون و



ORIGINAL

ظهرت البينات كالشمس في وسط الزوال و هم لا يشعرون. ای رب وقتهم علی کسر اصنام الاوهام و الاقبال الیک یا مولی الانام انت الذی لا یعجزک شیء و لا یمنعک امر تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید لا اله الا انت المقتدر القدیر.

و بعد مکتوبی که آن جناب از بیروت ارسال نمودند رسید سبب فرح شد انشاء الله کلّ به فرح اعظم موفق شوند یعنی به آنچه الیوم از افق عالم ظاهر و هویدا است. جمیع کتب الهی بذکر این یوم منع اقدس ابدع ناطق و لکن کلّ محجوب مشاهده می شوند. چه مقدار جمال قدم حمل شدائد فرمودند تا آنکه بعضی از حجبات جدال و سبحات جلال خرق شد. حال مشاهده می شود جمعی از ناعقین و مغلّین و مریین در صدد آنند که ناس را احب از قبل نمایند. هزار و دویست سنه وازید فئه فرقان یعنی حزب شیعه به کلماتی متکلم بودند و خود را اعلی الخلق و فرقه ناجیه مرحومه می شمردند در ظهور امتحان اشقی از کلّ مشاهده شدند چنانچه محبوب امکان را به رصاص غلّ و بغضا در ارض تا شهید نمودند. قسم به آفتاب افق بیان محتجبین اهل بیان حال به همان کلمات و اشارات و شبهات و ظنون و اوهام متمسک و ناطقند. بگوئید ای بی بصران قدری تفکر نمائید که حاصل آنهمه جداها چه بود و ثمره آن نزاعهای بی معنی کدام. وقتی این کلمات محکمت را از فم مشیت مالک اسماء و صفات این خادم فانی استماع نمود قوله جلّ کبرئیه: این نادانان امکان اراده نموده اند خلق بدیع را بمثابه خلق فرقان محتجب نمایند. ای عبد حاضر ندای مظلوم را برسان که شاید محتجبین بیان بقطره از بحر انصاف مرزوق شوند. بگو امروز یوم الله است و لا یدکر فیه کلّ ما عندکم و عند الخلق. اگرچه هنگام ظهور مظاهر احدیه در عالم ملک لفظ یوم الله بر او صادق و لکن این ظهور اعظم در کلّ کتب به ظهور کنز مخزون و غیب مکنون اختصاص یافته. طوبی للمترسین و طوبی للعارفین این است آن روزی که می فرماید یوم یقوم الناس لرب العالمین و این است آن یومی که می فرماید الملك یومئذ لله. کتب الهی مشحونست به این اذکار معذلک تازه بذکر نقباء و نجباء و امام و خلیفه و امثال آن تمسک و تشبث نموده اند. بگو آیا این اذکار از قبل نبوده فأتوا بثمرها و اثرها لو انتم من القادرین. بگو اتقوا الله یا قوم و لاتجادلوا بآیات الله و عظمته و سلطانه و برهانه و حجته و بیناته ضعوا ما عندکم امراً من عندنا و خذوا ما نزل من هذه السماء المقدسة المرفوعة. بگو در احزاب قبل تفکر نمائید کلماتی را از قائلین اصغاء نمودند و بحیث جاهلیّه به قسمی به آن تمسک جستند که دون آن را نمی پذیرفتند و از اصغاء آن ابا می نمودند. ای عبد حاضر لله بگو که شاید الی الله توجه نمایند. نگویند آنچه را که از قبل گفته اند و عمل ننمایند آنچه را که از قبل خائنین و غافلین به آن عمل نموده اند. بگو ای اهل بیان ندای مشفق امین را بشنوید و ضحیح ناصح کریم را اصغاء نمائید. این آیات به آیات قبل شبیه نبوده و نیست و این ظهور از جمیع ظهورات ممتاز. لله بشنوید و لله انصاف دهید شما هیچ یک از مبدء ظهور این امر مطلع نبوده و نیستید فوالذی انطق الاشياء بثناء نفسه نفسی را که بسبب او از صراط مستقیم محروم مانده اند و از امّ الکتاب ناطق ممنوع قابل ذکر نبوده و نیست در آثارش از عربی و فارسی نظر نمائید و تفکر کنید لعلّ تتخذون لانفسکم الی الحق سبیلاً. بشنوید پند این مظلوم را نعیق را به ناعقین بگذارید و به حقیف سدره منتهی توجه نمائید. غدیر اوهام را به اهل ظنون دهید و به بحر حیوان که امروز به اسم رحمن ظاهر است بشتابید از عرصه الفاظ بگذرید و از مضمار روایات فارغ و آزاد شوید امروز روز اباهر و خوافی نیست به قوادم انقطاع پرواز نمائید که شاید از هنیز اریاح آنه لا اله الا هو استماع کنید. از جداول و انهار چشم بردارید چه که بحر اعظم امام وجوه است از ناسوت و شئون آن که سبب و علت بغی و فحشاء و ضغینه و بغضاست بگذرید و بر فراز ملکوت مقرر گزینید. ای اهل بیان لعمر الرحمن کلّ حرف من الحروف ینطق باعلی النداء بانّی انا مالک البیان لو انتم تسمعون به بصر حقیقی مشاهده کنید لعمر الله از هر کلمه جوهر معانی جاری. بگو امروز روز سمع و بصر است ببینید و بشنوید لعمر الله آنچه فوت شود ابداً بر تدارک آن قادر نبوده و نخواهید بود بر خود و بر عباد رحم کنید و سبب ضلالت

و گمراهی نشوید شنیده را بگذارید و به آثار رجوع کنید تا قدرت حق و سلطنت حق و علو حق و سمو حق و علم حق و احاطه حق را بفهمید و ادراک نمائید. این هوای ارقّ الطف را به انفاس آلوده خود میلانید و انوار صبح یوم الهی را بغمام ظنون و اوهام ستر نمائید. ای اهل بیان ملکوت بیان از کلمه رحمن در اهتزاز و شما در طین دور خراطین مجتمع وبقال وبقول عمر را تلف نموده وخواهید نمود لعمرالله از سراب ممنوع مشاهده می‌شوید تا چه رسد به بحر معانی. ای بی انصافان به بصر اطهر به منظر اکبر توجه نمائید و براسستی تکلم کنید. امروز روز مکاشفه و شهود است نه یوم اوهام و ظنون قسم به اسم اعظم که عالم معانی و بیان و اهل جنان از ظلم شما بنوحه و ندبه مشغول ان استمعوا ندائی و توبوا الی الله لعل یکفر عنکم سیئاتکم و یقرّبکم الی مقام ینطق فیه لسان العظمة انه لا اله الاّ انا المهیمن القیوم. انتهی

اگر چه بیانات مالک اسما زیاده بر این بود که ذکر شد و لکن این عبد بقدری که مقتضای مقام بود و مصلحت این ایام ذکر نمود که شاید نفوس مرده بنفحه بیان رحمانیه بطراز زندگانی مزین شوند و از تقلید و تعقید و ظنون و اوهام فارغ و آزاد مشاهده گردند انه ینشأ الی صراط المستقیم.

واینکه درباره جناب آقا محمدجواد والدسمی حضرت مقصود واستدعایشان وجناب آقا محمد حسن ع ط و همچنین درباره جناب ملا ابراهیم علیهم بهاءالله ذکر نموده بودید در ساحت اقدس مطالب و عرایض عرض شد مخصوص هر یک آیات بدیعه منیعه نازل و در مکتوب به آنجناب که از قبل ارسال شده ارسال شد انشاءالله به آن فائز شده‌اید و نفوس مذکوره را فائز نموده‌اید. و آن مکتوب تا حال جوابش نرسید به مدینه کبیره ارسال شده بود تا نزد آن جناب ارسال دارند. در این حین حسب الامر به ساحت اقدس مشرف وفائز فرمودند یا عبد حاضر اراده آنکه احبای یا و الف و را را ذکر نمائیم که شاید بر صراط الهی مستقیم مانند و از هبوب اریاح منته انفس غافله محفوظ قوله جلّ کبریا: هو الظاهر من افق السّجن یا احبائی فی الیاء یدکرکم المظلوم فی سجن عکا ویوصیکم بالاستقامة الکبری علی هذا الامر الذی به انشقت الارض و نسفت الجبال ایّاکم ان تمنعکم سبحات الجلال عن مقام القرب و القدس و الجمال. قوموا باسم ربکم مالک الاسماء علی شأن لا تخوفکم زماجیر الرجال انه ذکرکم من قبل بما انار به افق البرهان و یدکرکم بآیات اذا نزلت خضعت لها الاعناق ان انظروا ثم اذکروا القرون الخالية والاعصار الماضية وماورد فیه علی مشارق الوحی من الذین کفروا بالله رب الارباب. ایّاکم ان تحجبکم شئون الجاهل عن هذا الامر الذی به شهدت الذرات انه لا اله الاّ هو العزیز الوهاب. ان استعدوا یا قوم لاصغاء صریر قلبی الی الاعلی الذی ارتفع فی السّجن بامر ربکم مالک الاسماء الذی به دلح دیک العرش و هدرت حمامة العرفان علی الاغصان تالله هذا یوم لا یدکر فیه الاّ الله وحده یشهد بذلك کتب الله و ما انزله الرحمن فی البیان. هذا یوم اخبرناکم به من قبل اذ کان نیر الامر مشرقاً من افق العراق. قد ظهر ما وعدناکم به فی هناك ان ربکم الرحمن لهو العزیز العلام. ضعوا یا قوم ما عندکم وخذوا ما نزل لکم من سماء مشیة ربکم مالک الادیان. کذلک اشرقت من افق سماء الحجّة شمس ذکر ربکم منزل الآیات. ای اهل یا ندای مظلوم آفاق را به گوش جان اصغاء نمائید که شاید اشارات ملحدین و شبهات مغلین شما را از مالک یوم مبین محروم ننماید. امروز سید ایام است و جمیع قرون و اعصار طائف حول او قدر این روز امنع اقدس مبارک را بدانید و بما یرتفع به امرالله عمل نمائید. جهد کنید تا بمثابه اوراق خریف دیده نشوید چه که به یک هبوب ساقط مشاهده می‌شوند باید در سبیل محبت الهی بمثابه جبل ثابت و راسخ ملاحظه گردید. امروز نسمة الله درمرور و روح الله در بیدای امر بلیک ناطق قدر خود را بدانید و مقام خود را بشناسید و به مکرو حیل خادعین سبیل مستقیم را ازدست مدهید. لثالی محبت رحمن را به اسمش در کائنات جان محفوظ دارید. امروز روز ذکر و ثناست و امروز روز عمل و انقطاع. مشاهده در اوراق اشجار نمائید که نزد هبوب اریاح چگونه خاضع و خاشع و با تسلیم مشاهده می‌شوند

اگر از جنوب دره‌بوست به آن جهت مایل کذلک بجهت اُخری. انسان نباید کمتر از اوراق مشاهده شود ان شاء الله باید کلّ نزد هبوب اریاح مشیت الهی بکمال تسلیم و رضا ظاهر شوند یعنی باراده او حرکت نمایند و به مشیت او ناطق و ذاکر و عامل از حق بطلبید تا شما را مؤید فرماید بر استقامت کبری بشأنی که ندای غیر حق را از نعیق و نعیب شمردید. یا ابا الحسن ان استمع نداء مالک السر و العن انّه یدکرک فضلاً من عنده انّ ربّک هو الفضال الکریم انا نذکر الاحباء فی الالف و الراء و نبشّره بمّا تحرّک علی ذکرهم قلبی الاعلی فی سجن عکا انّ ربّک هو الغفور الرّحیم. قل انا نوصیکم بالامانة و الصداقة و ما یرتفع به امرالله فیما سواه ان اعملوا و لاتکونوا من الغافلین. ایاکم ان تمنعکم زخارف الدّنيا عن مالک الوری و دعوا ما فیها ثمّ اقبلوا بوجه نوراء الی الافق الاعلی المقام الذی ینطق فیهِ فاطر السّماء انّه لا اله الاّ انا العلیم الحکیم. قل هذا یوم فیهِ انجذبت الاشیاء من عرف قیص ربکم الابهی و انتم من النّائمین. قل تالله قد قام اهل القبور من نسّمات الوحی و انتم من السّاکنین و نطق لسان العظمة فی ملکوت البیان و انتم من الصّامتین. قل قد قصد کلّ ذی قلب الی الغایة القصوی و انتم من الرّاقدین. قل قوموا باسمی علی امری و تمسّکوا بحبل التّبلغ هذا امرالله من قبل و من بعد ان انتم من العارفین. قولوا یامن فی فراقک ارتفع حنین المقرّبین و نوح المخلصین اسألك بصراطک المستقیم و اسمک الاعظم العظیم بان تؤیّدنا علی الاستقامة علی امرک و توقّفنا علی ماتحبّ و ترضی. ای ربّ نحن عبادک و ارقّاک اسألك بنفحات و حیک فی آیامک و فوحات قیصک عند اشراق انوار وجهک بان تکتب لنا من قلبک الاعلی ما یحفظنا عن اشارات الذّین کفروا بآیاتک و اعرضوا عن سلطانک و شبهات کلّ منکر جادل بآیاتک و انکر برهانک انّک انت الذّی لا یعجزک شئون الخلق تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید و فی قبضتک ملک السّماوات و الارضین. ای اهل دیار الهی ان شاء الله ثابت و مستقیم باشید شما از عناصر قویّه قدیره غالبه مهیمنه محیطه ظاهر شده اید این مقام بلند اعلی را از دست مدهید بحبل قدرت متمسک باشید و بذیل عنایت متشبّث. امروز باید شأن هر صاحب وجودی ظاهر و هویدا گردد چه که امروز روز حشر اکبر است و نشر اعظم هر مکنونی به شهود آید و هر مستوری واضح و آشکار گردد. امروز آن روزیست که لسان رحمن در فرقان از آن خبر داده یا بنیّ انّها ان تک مثقال ذرّة من خردل فتکن فی صخرة او فی السّماوات او فی الارض یأت بها الله. جهد نمائید تا اعمال طیّبه و اخلاق مرضیه و استقامت کامله در امر مالک بریه از شما ظاهر شود ان شاء الله به قسمی بر امر الله ثابت و راسخ و مستقیم مشاهده شوید که جمیع عالم قادر بر منع نباشند و خود راعجز مشاهده نمایند این است نصیحت مظلوم و وصیت او ان شاء الله به آن فائز شوید و عامل گردید چه که امروز روز عمل خالص است لوجه الله ربّ العالمین. الحمد لله العزیز الامین. انتهى

ذکر جناب آقا محمد حسین ن و علیه ۶۶۹ نموده بودید عریضه ایشان چندی قبل به ساحت اقدس فائز و همچنین مکتوبی به این عبد فانی مرقوم داشتند ان شاء الله لم یزل و لا یزال بخدمت امر مشغول باشند فی الحقیقه نفحات محبت الهی از ایشان استشمام می شود. از قول این فانی تکبیر خدمت ایشان برسانید و به عنایت حق بشارت دهید. این خادم فانی از حق سائل که ایشان را در کلّ احوال مؤید فرماید بشأنی که بماینبغی لایام الله قیام نمایند و در اسباب هدایت خلق جهد بلیغ مبذول دارند این است آن شأن و مقامی که فنا آنرا اخذ ننماید و حوادث زمان آنرا تغییر ندهد نعیماً له و هنیئاً له. از کثرت تحریرات این کُره فرصت نشد خدمت ایشان مراتب خلوص در مکتوب علی حدّه ارسال شود. چه که نامه آن جناب رسید و بکمال تعجیل این جواب اظهار رفت ان شاء الله در همین چند روز جواب دستخط ایشان که به توسط جناب شیخ س رسید ارسال می گردد. ذ

کر جناب آقا محمد علی و اخوی ایشان آقا محمد حسین و ابن عمشان عباس قلی نموده بودید ذکرشان در ساحت اقدس عرض شد و این کلمات عالیات از سماء مشیت منزل آیات نازل قوله تعالی: یا ابا الحسن هر یک را از قبل حق تکبیر برسان و به استقامت کبری وصیت نما الحمد لله بذکر قلم اعلی فائز شدند و این مقامی است که بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده خواهد ماند. ان شاء الله مؤید شوند بر اموری که سبب ارتفاع امر الله است. بگو امروز دو ندا مرتفع محبوب امکان به اعلی الندا عباد را به افق اعلی دعوت می فرماید و همچنین مطلع او هام به اسم حق خلق را اغوی می نماید ان شاء الله به حق ناظر باشید و بجل امرش متمسک و بذیل عنایتش متشبث. هر عملی که امروز از اولیای الهی ظاهر شود از اعظم اعمال لدی الغنی المتعال مذکور است. طوبی للذین وفوا بعهد الله و میثاقه و ویل للذین نبذوا العهد و نکصوا علی اعقابهم الا انهم من الهالکین. انتهی از جانب این عبد فانی هم خدمت هر یک تکبیر برسانید ان شاء الله مؤید شوند بر آنچه رضای الهی در اوست. نقطه اولی روح ما سواه فداه می فرماید که جمیع از برای آن است که بکلمه رضا از نزد او فائز شوند. حال الحمد لله نفوس مذکوره بذکر الهی فائز گشتند و به انوار عنایتش منیر این فضلی است بزرگ و عنایتی است کبیر یشهد بذلک کل بصیر خبیر.

و همچنین ذکر اهل میلان نموده بودید درباره ایشان الواح متعدده از سماء مشیت نازل و از قبل ارسال شد و در این حین هم در ساحت اقدس عرض شد این بیان از ملکوت عرفان ظاهر قوله عز کبریائه: یا ابا الحسن طوبی لک بما ذکرک احبائی و ارسلت اسمائهم الی سجنی بشرهم بفضلی و عنایتی و رحمتی الی سبقت الوجود. یا اهل میلان یدکرکم ربکم الرحمن من هذا المقام المرفوع. طوبی لکم بما شربتم رحیق المختوم باسمی القیوم و فترتم بهذا الامر الذی انکره علماء الارض الا من شاء الله رب ماکان و ما یکون. انا ذکرناکم من قبل و فی هذا الحین الذی یمشی المظلوم فی سجنه الممنوع. کم من عارف منعه العرفان عن الرحمن و کم من صبی اقبل و فاز بهذا الامر المختوم. طوبی لعبد فاز بالاستقامه الکبری علی امر الله مالک الوری و ویل لمن اعرض و اتبع کل عالم محجوب. ان افرحوا بما ذکرتم من قلبی الاعلی فی هذا الفجر الذی ینطق فیهِ لسان الله مالک الاسماء قد اتی المیقات و ظهر منزل الآیات بلوح محفوظ. ان شاء الله از اصغاء ندای الهی کل مشتعل شوند و به حرارت کلمه علیا سرگرم شده در انجمن عالم بذکر اسم اعظم ناطق گردند. بگو قدر این یوم عزیز را بدانید و بما امرتم به فی الکتاب عمل نمائید قسم به آفتاب افق امر هر نفسی الیوم به عرفان حق فائز شد او از مقربین در کتاب مبین مذکور و مسطور است باید کل به اعمال خالصه و اخلاق مرضیه و آداب حسنه ما بین عباد ظاهر شوند. بگو ای دوستان حق از برای و داد و اتحاد آمده نه از برای ضغینه و عناد کل در ظل سدره منتهی یعنی کلمه علیا جمع شوید و بذکر و ثنای حق جلّ جلاله مشغول گردید و از کوّوس حمرا کوثر اصفی را به اسم مالک اسماء بنوشید. امروز روز فرح اعظم است بلکه فرح اعظم طائف حول این فرح بوده و خواهد بود بیاد دوست یگما مسرور باشید و در جنات محبتش سائر. طوبی لکم ثم طوبی لکم نوصیکم فی آخر البیان بالاستقامه علی امر ربکم مالک الادیان البهاء المشرق من الافق الاعلی علیکم و علی الذین ماحرکتهم قواصف الظنون و لا عواصف الاوهام عن الله المهیمن القیوم. انتهی و همچنین این خادم فانی استدعا می نماید ذکر فنا و نیستی او را در انجمن دوستان الهی مذکور دارید. حق عالم و گواه است که ذکرشان امام وجه و قلم بوده و ان شاء الله خواهد بود.

و ذکر جناب سنی مقصود ابن مرحوم حاجی غلام حسین از ارض یا در ساحت امنع اقدس عرض شد قوله تعالی: بسمنا الاقدس الاعظم یا حسین قبل علی قد حضر لدی المظلوم کتاب من الذی سنی بابی الحسن فی کتاب الاسماء و فیهِ ذکرک ذکرناک فضلاً من عندنا ان ربک هو الحق علام الغیوب. ان افرح بهذا الذکر الذی اذا نزل من سماء مشیه

ربّک انجذبت الاشياء و نادت الملك لله المهيمن القيوم. تمسّک بجبل عنایة ربّک و قل یا من بک نصب الصّراط و وضع المیزان و باسمک سرت نسمة الله على الامکان و یا من بندا تک الاحلی انصعق من فی الارض و السّماء اسألک بالکلمة العلیاء الّتی بها سخرت مداین الغیب و الشّهود بان تؤیّدنی علی ذکرک و خدمة امرک و توقّنی علی الاستقامة الّتی ذکرتها فی اکثر الواحک و وصیّت بها خلقک و عبادک أنّک انت المقتدر الّذی خضعت عند ظهورک مظاهر القدرة لا اله الا انت الامر المقتدر العلیم الحکیم. انتهى عرض این فانی در این مقام معلوم و واضح است یعنی خدمت ایشانم از این فانی مذکور دارید آنچه که سبب و علّت اشتعال نار محبّت است امید هست که کوثر حیوان را از آیات محبوب امکان بیاشامند و از عالم و عالمیان منقطع و فارغ شده بر امر الهی ثابت و راسخ و مستقیم مشاهده کردند الامر بیده یفعل مایشاء و یحکم مایرید.

و اینکه درباره اولیای الف و را نوشته بودید چندی قبل مخصوص هر یک لوح امنع اقدس از سماء عنایت رحمانی نازل لو شاء الله و اراد به آن فائز خواهند شد. ذکر جناب فتح اعظم علیه من کلّ بهاء ابهاه همیشه در ساحت اقدس بوده و هست قلم اعلی درباره او شهادت داده به آنچه ذکرش بدوام اسماء حسنی در ملکوت انشاء باقی و پاینده خواهد ماند. این فقره هم در ساحت امنع اقدس عرض شد این کلمات عالیات از مطلع بیان رحمن مشرق و هویدا قوله تعالی: بسمه المقدّس عن الاذکار و الامثال یا ابا الحسن قد حضر کتابک لدی المظلوم و فیه ذکر احبائى الذین اقبلوا الی افق و طاروا فی هوای و سمعوا ندائی الا انهم من الفائزین. انا ذکرناهم من قبل بذکر وجد منه مظاهر الاسماء عرف قیص ربهم الابهی الّذی اتی من سماء القضاء بسلطان غلب من فی السّموات و الارضین. ان یا قلم الاعلی ان اذکر من سمی بالفتح الاعظم من لدن مالک القدم لیفرح بذکره کلّ ذی همّ و یطیر باسمه کلّ منجمد و یسرّع به کلّ متوقّف و ینطق به کلّ صامت منع عن هذا الذکر الحکیم و نذکر اخاه الّذی اقبل الی الافق الاعلی اذ عرض عنه کلّ غافل بعید. انا نبشّره بفضل الله و رحمته و هذا الذکر الّذی نطق به لسان المظلوم فی هذا السّجن العظیم. کن کما کان اخوک کذلک یوصیک من عنده کتاب کریم قم علی الامر بالاستقامة الکبری و ذکر الناس بهذا النّباء الّذی کان مذکوراً فی کتب الله العلیّ العظیم و نذکر المحمّد فی هذا المقام الّذی کان مذکوراً لدی الوجه و فاز يعرفان الله فی آیامه و نطق بثنائه الجمیل. انا نوصیه بحفظ ما اعطیناه و العمل بما انزله الله فی کتابه المبین و نذکر الحیب الّذی اقبل الی الافق الاعلی و شهد بما نطق به لسان العظمة فی هذا المقام المنیر و نذکر احبائى فی هناك و ندعوهم الی مقام یطوفه الملاء الاعلی و الذین اخذوا الکتاب بقوة من لدن قویّ قدیر. طوبی لکم یا احبّاء الرحمن و نعیماً لکم یا اصفیائى اتمّ الذین ما منعکم الظّنون عن الاسم المکنون و لا حجبکم الاوهام عن هذا الیوم المنیر. اتمّ الذین سمعتم نداء ربکم و سرعتم الی البحر الاعظم و کنتم من الفائزین. قلم اعلی دوستان آن ارض را ذکر می نماید و به آنچه سزاوار یوم الهی است امر می فرماید. اول امر معرفت حق جلّ جلاله بوده و بعد استقامت بر این امر اعظم جمیع صحف و کتب و زیر الهی به عظمت این یوم گواهی داده. طوبی از برای نفوسی که ضوضای مطالع ظنون و اوهام ایشان را از مالک انام منع ننمود. امروز روز خدمت و ظهور استقامت است چه که طیور اوهام و طیور لیل در هوای ظلمانی طایرند و طالب جنس خود قلم اعلی از قبل به این امور اخبار فرموده. ای دوستان به ابصار حدیده در افق اعلی نظر نمائید و با رجل مستقیمه قیام کنید تا از اریاح خریف محفوظ مانید. نفوسی که سالها از بیم جان خلف حجاب مستور بودند حال بکمال خدعه و مکر در اضلال نفوس مقبله مشغولند. ای دوستان حق بکمال قدرت و قوّت بایستید و ناس را از مطالع ظنون و مشارق اوهام حفظ نمائید که شاید از انوار آفتاب حقیقت ظلمت اوهام رفع شود و صبح منیر یقین از افق اراده ظاهر گردد. هر کلمه را عرفی بوده و خواهد بود طوبی از برای نفوسی که بعرف فائز شدند و به مطلع آن

پی بردند. یا اله الاسماء و فاطر السماء تسمع ضجيج البهائم و حنينه بما ورد عليه من طغاة خلقك و بغاة عبادك. ای ربّ انّ الذی ربّیته بایادی الرّحمة و العنایة قد قام علی تضييع امرک و اضلال خلقک و بریتک. انت تعلم یا الهی بانّی ما اردت فی الارض الاّ ما امرتني به بامرک و سلطانک. ای ربّ اید عبادک علی عرفان مشرق آیاتک و مظهر بیناتک ثمّ اشرهم کوثر الاستقامه بایادی عطائك. انّک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الاّ انت العزیز الحکیم. انتهى

و مخصوص جناب رف و م خ و ح ب الواح بدیعه منیعه نازل و به جناب شیخ س داده شد که برساند ان شاء الله به آن فائز شوند و از بحر معانی بیاشامند. این عبد فانی اگر چه بعد از شمس مشرقه کلمات الهیه از افق بیان رحمن خود را لایق ذکر و ثنا خدمت دوستان الهی نمی داند و لکن نظر به آنکه جمیع بهجت و اتحاد مأمورند لذا بقدر و اندازه خود اظهار فنا و نیستی خدمت اولیاء و اصفیاء را از وظیفه خود می شمارم. در این صورت خدمت دوستان آن ارض یعنی نفوسی که از کوثر اطهر آشامیده اند و به منظر اکبر ناظرند سلام و تکبیر می رسانم و عرض می نمایم ان شاء الله در این ربیع روحانی از امطار رحمت رحمانی سرسبز و خرم باشید و از ازهار و اوراد حدیقه معانی محسوب شوید. به ایادی همّت اذیال استقامت را اخذ نمائید که شاید از اریاح اشارات غافلین محفوظ مانید. یسأل الخادم ربّه بان یوفّقکم و یؤیدکم علی ما یحبّ و یرضی انّه لبالمنظر الاعلی و السّلام علی من اتّبع الهدی.

و ذکر اهل مراغه نموده بودید یعنی از جناب آقا محمد علی و جناب آقا میرزا عبدالحسین و جناب آقا عبدالصمد و ابنشان و سایر دوستان علیهم بهاء الله ان شاء الله کلّ از اشراقات انوار آفتاب معانی منور شوند و بذکر و ثنای محبوب ابدی مؤید گردند. این فقره هم در منظر اکبر تلقاء وجه مالک قدر عرض شد این جواب از ملکوت بیان رحمن نازل قوله تعالی: هوالمشرق من افق العالم بالاسم الاعظم یا احبّائی فی مراغه ان اسمعوا نداء مالک الاحدیّه انّه یدکرکم کما ذکرکم من قبل فضلاً من عنده و هو الفضال الکریم. انا انزلنا لکم الواحاً شتی و ارسلناها الیکم امراً من لدنا و انا الامر المقتدر القدير. ان اقبلوا بکّکم الی الله ثمّ اعملوا ما امرتم به من لدن حاکم خبیر. هذا یوم فیه ینطق المیزان تالله قد اتی الرحمن بامر عظیم و فیه ینادی الطور و یقول قد اتی یوم الظهور الملک لله المقتدر العزیز العظیم. ان اشکروا من ایدکم علی عرفان مطلع وحیه و مشرق عرفانه و عرّفکم هذا الصراط المستقیم انّه هداکم الی الافق الاعلی و اسمعکم ندائه الاحلی اذ کان مظلوماً بین ایدی الغافلین. یا اهل مراغه از قبل به احلی البیان ذکر شما از قلم اعلی جاری و ساری ان شاء الله کلّ به آن فائز شوید و جهد نمائید تا فی الحقیقه به حلاوت بیان مرزوق گردید چه اگر نفسی به آن فائز شود اشارات اهل عالم و سبحات امم و الواح معرضین و السن مغلّین او را از محبوب من فی السموات و الارضین منع ننماید. لعمر الله اگر نفسی این ریح اظهر را که از ید قدرت مالک قدر گشوده شد بیاشامد خود را از عالم و عالمیان در سبیل محبوب امکان فارغ و آزاد مشاهده نماید بشأنی که مغلّین و معرضین و ملحدین و معتدین را معدوم صرف و مفقود بخت شمرد به استقامت تمام بر امر مالک انام قیام نمائید. امروز روزیست که هر نفسی آنچه اراده نماید به آن فائز می شود چه که ابواب عنایت مفتوح است و بحر کرم در امواج و آفتاب جود در ظهور و اشراق و اگر در بعض امور ظهورات عنایت تأخیر شود این نظر به حکمت بالغه الهیه بوده و خواهد بود نباید از آن محزون شد. کذلک یعلّمکم الکتاب الاعظم بما انار به العالم انّ ربکم الرحمن هو العزیز الودود. انتهى

اینکه درباره احبای ارض قم ذکر نموده بودید لدی العرش معروض گشت اذا نطق لسان العظمة بما انجذبت به قلوب العالم و انصعق الامم الاّ من شاء الله العلی العظیم قوله جل کبریائه: یا ابا الحسن انا ذکرنا احبائنا فی هناک و نزلنا لمن سمی بالرّضا ما انجذب به ملاء الانشاء و انزلنا لمن سمی بالحسین ما فاح به عرف البیان فی الامکان تعالی الرحمن مظهر هذا الامر

العظیم و ارسلنا الیهما من قبل ما تعطرت به الآفاق و لكنّ القوم فی حجاب مبین. انک ان رأیتهما کبر من قبل المظلوم علیهما وبشرهما بعنایتہ اللہ ربّ العالمین. قل طوبی لکما بما اقبلتما الی افق اعرض عنه کلّ جبار عنید و کلّ عالم مریب. قد شهد لکما قلبی الاعلی ان افرحا بهذا الفضل الاعظم و هذه الرّحمة الّتی سبقت من فی السّموات و الارضین. ای دوستان این مظلوم در این حین که آفتاب در وسط الزّوال است به شما توجّه نموده و شما را ذکر می نماید و وصیت می کند به آنچه که سبب استقامت بر امر اللّٰه است چه که معتدین و مغلّین و شیاطین بکمال جهد در اضلال احبای حقّ کوشیده و می کوشند برحقّ جلّ جلاله بوده که اولیای خود را اخبار نماید لذا از قبل به ظهور ناعقین و نعیب غافلین کلّ را آگاه نمودیم تا در این یوم بدیع باسم حقّ محفوظ مانند ان شاء اللّٰه باید بشأنی بر امر اللّٰه ثابت و راسخ مشاهده شوند که احدی قادر بر تکلم نباشد تا چه رسد به منع کذلک نطق اللسان فی ملکوت البیان طوبی لکلّ سامع و ویلّ للغافلین. و آنچه در سبیل الهی از شما ظاهر شد لدی الحقّ واضح و هویدا است انّه یقرّب الی من تقرّب الیه و یجزی من عمل فی سبیلہ احسن الجزاء انّه لهُ الشّاهد البصیر العلیم. ان شاء اللّٰه از دشمنان حقّ و اشاراتشان محفوظ باشید یا ابا الحسن بعضی از منتسبین هم در آن ارض ساکنند از قبل الواح بدیعه منیعه مخصوص ایشان نازل و ارسال شدن ان شاء اللّٰه به آن فائز شده اند و اگر در این کرّه ملاقات نمودید تکبیر بلیغ از قبل حقّ برسان و بگو ان شاء اللّٰه به عنایت الهی فائز باشید و به امرش عامل. مخصوص دو نفس مذکور هم حسین و رضا علیهما بهاء اللّٰه دو لوح امنع نازل و با حرف سین ارسال شد ان شاء اللّٰه به آن فائز شوند العاقبة للمتّقین والحمد للّٰه ربّ العالمین. انتہی

اینکه درباره ابناء جناب ملاّ عبدالغفور از اقرای جناب ملا رج علیه بهاء اللّٰه نوشته بودید در منظر اکبر عرض شد هذا ما انزله الوهّاب فی الجواب: یا ابا الحسن انا ذکرنا من سمّی بملک حسین و نذکره فی هذا الحین الذّی یمشی المظلوم فی سجنه الاعظم و یشهد بما شهد به قبل وجود الکائنات انّه لا اله الاّ هو الفرد الواحد العلیم الحکیم. لعمر اللّٰه هذا یوم تزین بذکره کتب العالمین و نطق بثنائہ اهل الفردوس الاعلی و الذّین طافوا حول العرش امراً من لدی اللّٰه العلیم الخبیر. هذا یوم فیہ تضوّع عرف البیان و لكنّ القوم اکثرهم من الغافلین. قد نبذوا الیقین عن ورائهم و اتّبعا مطالع الاوهام کذلک سوّلت لهم انفسهم الا انهم من الاخسرین فی کتّاب اللّٰه ربّ العالمین. یا ملک قبل حسین هل تسمع ندائی الاحلی من الافق الاعلی ام تكون من الغافلین. ان افتح بصرک باسم ربّک لترى الشّمس مشرقة من هذا الافق المنیر. لا تلتفت الی الذّین تریهم فی مرية عن امر ربّک توکل فی کلّ الامور علی اللّٰه النّاطق الخبیر. ان یأتک احد بالقصص الاولى دعه عن ورائک مقبلاً الی مقام ینطق فیہ لسان العظمة انّه لا اله الاّ انا العزیز البدیع و نذکر من سمّی بحمدّ قبل باقر ليقربه نداء الرّحمن الی ملکوت البیان و یؤیّده علی الاستقامة علی هذا الامر الذّی به زلت اقدام العارفين. انک اذا سمعت النداء من شطر البقعة النوراء قل لک الحمد یا مالک الاسماء و فاطر السّماء بما عرفتنی مشرق امرک و مطلع وحیک و هدیتنی الی صراطک المستقیم. و نذکر من سمّی بعلی و نبشره بهذا الذّکر الذّی لا تعادله خزائن الارض کلّها و لا ما عند الملوک و السّلاطین. یا علی یدکرک المظلوم اذ احاطته الاحزان من الذّین جادلوا بآیات اللّٰه و برهانه و اعرضوا عمّا امروا به فی کتب اللّٰه العزیز الحمید. خذ رحیق الاستقامة باسم مالک الاحدیّه ثمّ اشرب منه مرّة بذکری و اخری باسمی العزیز الحکیم. یا رضا ان اقبل الی الافق الاعلی تالله قد خلقت لهذا الیوم یشهد بذلک صحف اللّٰه من قبل و من بعد و عن ورائها هذا الذّکر الامنع الاقدس العزیز العظیم. قم علی خدمة امر ربّک مالک الوری بالاستقامة الکبری و قل لک الحمد یا من ذکرتنی بفضلک و ایدتنی علی الاقبال الی بحر علمک و حکمتک اسألك بان لا تخیننی عمّا قدرته لاصفیائک الذّین نبذوا العالم فی حبّک و سبیلک و سرعوا الی مشهد الفناء بذکرک و اسمک. ای ربّ انت القوی و ترى الضعیف متمسکاً بجبل عنایتک

فاكتب له ما ينبغي لعظمتك و اقتدارك لا اله الا انت الغفور الرحيم. و نذكر في هذا الحين من سمي بالحسين لتجذبه نفحات الذكر الى مقام تنطق فيه لسان الله المهيمن القيوم. يا حسين يذكر الحسين الذي قام على الامر في ايام فيها ارتعدت فرائص العالم من سطوة الامراء و اعراض العلماء كذلك نطق مالک الاسماء من الافق الاعلى و القوم اكثرهم لا يفقهون. قد انزلنا الآيات و اظهرنا البيّنات و اخبرنا الكلّ بما ظهر و يظهر في الارض. يشهد بذلك من شهد بما شهد به الله قبل خلق السموات و الارض و قبل ذكر الكاف و النون. تمسك بجبل اليقين معرضاً عن الذين نراهم في ريب عن هذا الامر العزيز الممنوع انه غفر اباكم فضلاً من عنده و هو العطوف الغفور. يا حسن قلم اعلى به لسان پارسی تكلم می فرماید که شاید كلّ بما اراده الله فائز شوند. بگو شنوید ندای مظلوم را و به شبهات منکرین و معرضین از مالک يوم الدين محروم نمائید. امروز روز فزع اکبر است و همچنین فرح اعظم طوبی از برای نفسی که سبحات و حجات و اشارات اهل ظنون او را از عرفان اسم ظاهر مکنون منع نمود. امروز مالک اسماء به ایادی بیضا کوثر بقا عطا می فرماید تقرّبوا بحوله و خذوا باسمه ثم اشربوا منه بذکره الحکیم. شیاطین در کمین بوده و هستند و همچنین ما کین و خادعین بر مرصّد منتظر که شاید نفسی را از حق منع نمایند و از فیوضات فیاض حقیقی محروم سازند. جهد نمائید تا کاسر اصنام او هام شوید آنچه در ارض ظاهر شده و بشود از قبل از قلم اعلى جاری شده. بگو ای عباد در الواح ملوک نظر کنید و در لوح رئیس تفکر نمائید که شاید به انصاف تکلم کنید و در عرصه عدل قدم گذارید. امر اعظم از آنست که به اقوال سخیفه نالایقه مستور ماند. اتقوا الله یا قوم و لا تتبعوا اهواء الذين كفروا بالرحمن اذ اتى بالبرهان. كذلك يذكر کم من عنده کتاب عظیم و نذكر في هذا المقام امائی اللائی آمن بالله رب العالمين و نبشّرهنّ بعنايته الله و فضله الذي احاط من في السموات و الارضين. ای کنیزان حق انشاء الله از شبهات و اشارات خلق مقدّس و منزّه مشاهده شوید و در کلّ احوال به غنیّ متعال متمسک. این ایامی است که حقّ جلّ جلاله به کلّ متوجه و کلّ را بطراز ذکر مزین فرموده. عیسی بن مریم که به یک کلمه مبارکه که از مطلع بیان الهیّه اصغاء نمود به نار محبت مشتعل شد اشتعالی که میاه عالم او را منع نمود و مخمود نساخت و آن کلمه این بود که فرمود ای بنده من و فرزند کنیز من و حال فضل به مقامی رسیده که مکلم طور از مقرّ عرش ظهور ذکور و اناث و صغیر و کبیر را به بدایع اذکار خود ذکر می فرماید اگر نفسی فی الحقیقه در این کلمه مبارکه تفکر نماید تمام عمر به لک الحمد یا الله العالمین ناطق شود. از حق بخواید آذان را به اذکار مغلین و معتدین و خائنین نیالاید و ابصار را به اشارات منکرین از مشاهده انوار منع نفرماید تا جوهر بیان را اصغاء نمایند و جوهر نور را ادراک کنند. آیا سامع منصفی در عالم هست تا بشنود و به حق ناطق شود و آیا بصیر عادل یافت می شود تا حق را مشاهده نماید و بما شهد به الله شهادت دهد. كذلك نطق اللسان فی بحبوحه الاحزان بما اکتسبت ایادی الذين نبذوا اليهم و اخذوا الاصنام لانفسهم اولیاء من دون الله المقتدر القدير. البهاء المشرق من افق البقاء على الذين توجهوا الى المنظر الاكبر بالبصر الاطهر و على الائمة اللائی سمعن النداء و اقبلن الى الله مالک الاسماء فی هذا اليوم العزيز المنيع. انتهى

الحمد لله جميع نفوس مذکوره به آیات الهیّه فائز شدند و درباره هر یک بحر بیان مواج ان شاء الله به آنچه سزاوار این عنایت کبری است قیام نمایند و بما اراده الله فائز شوند. این عبد فانی در هر حین از حق سائل و آمل است که نفوس را بر عرفان این فضل اعظم که عالم را احاطه نموده مؤید فرماید. انه هو المقتدر المتعالی العليم الحکیم. و دیگر ذکر جناب حاجی محمد رضا علیه ۹۲۲ را نمودید بعد از عرض در ساحت اقدس این کلمات مشرقات از مصدر امر ظاهر و مشرق قوله جلّ جلاله: بسمه المقدّس عمّا کان و می‌کون یا محمد قبل رضا تالله الحق قد ظهر الوعد و اتى الموعد و ينطق فی قطب العالم انه لا اله الا انا المهيمن القيوم. قد خلقت الخلق لهذا اليوم و بشرتهم بهذا الظهور الذي فيه نطقت الحصاة الملك المنزل

الآيات و هدر العندليب على الاغصان العظيمة لله رب ما كان وما يكون من الناس من جادل بآيات الله وانكر برهانه ومنهم من اقترى عليه من دون بينة ولا كتاب معلوم ومنهم من افترى عليه كذلك نطق لسان الوحي اذ كان في هذا السجن الممنوع. كم من عالم منع عن المعلوم بما اتبع الظنون و كم من امي سرع و فاز برحيتي المختوم هذا يوم فيه ينطق لسان الظهور و ظهر ما اخبر به الله بلسان الرسول يوم يقوم الناس لرب الغيب والشهود دع الذاكر كلها و تمسك بهذا الذكر العزيز المحبوب. قل يا الهى اسألك بمسخرآياتك و ظهورات قدرتك في ملكوت الانشاء و باسمائك الحسنى و صفاتك العليا بان تجعلنى مستقيماً على هذا الامر الذى به انشئت الارض و نسفت الجبال لا اله الا انت الغنى المتعال. اى رب ترانى معرضاً عن دونك و مقبلاً الى كعبة ظهورك اسألك بان لا تمنعنى عن بدائع جودك ثم اكتب لى من قلبك ما ينفعنى فى كل عالم من عوالمك انك انت المقتدر على ما تشاء و بيدك زمام الاسماء لا اله الا انت الغفور الكريم. كبر من قبلى على وجوه الذين نسبهم الله اليك لتجذبهم نفحات التكبير الى الله الفرد الخبير. قل يا قوم تالله قد اتى اليوم و القيوم ينادى بهذا الاسم الذى به سخر الله ما كان و ما يكون قل اياكم ان تمنعكم سبحات المحتجبين عن الله رب العالمين دعوا ما عند الناس و خذوا ما اوتيتهم به من لدن فضال قدير. كذلك اشرقت شمس البيان من افق لوح ربكم الرحمن طوبى لمن اقبل و ويل للمعرضين. انتهى قسم به افتاب افق تقديس كه عنايت به مقامى رسیده كه السن عالم از ذكرش عاجز و قاصر است و لكن يا حبيبى ناس نسناس موهومى را كه اطلاع از او نداشته و ندارند اخذ کرده اند و از درياهاى فضل الهى خود را محروم نموده اند در ليالى و ايام از قادر عليم بكال عجز و ابتهاج بطلبيد تا اين نفوس را مجدداً بظنون و اوهام مبتلا ننمايد. در كل حين رايحه دفء در حركت و مرور بشأنى كه قلم رغبت بذكرش نموده و ننمايد. يسأل الخادم ربه بان يحفظ عباده عن جنود النفس و الهوى و يؤيدهم على ما يحب و يرضى هذا ما ينفعهم فى الآخرة و الاولى انه هو الشاهد الخبير.

و ديگر ذكر جناب ملا عبد الغنى عليه بهاء الله را نموده بوديد آنچه مرقوم داشتيد در ساحت اقدس عرض شد هذا ما اشرق من افق عناية ربنا الرحمن قوله جل كبريائه: بسمى المهيمن على الاسماء يا عبد الغنى ان اسمع ندائى من شطر سجنى لعمرى لو تسمعه حق الاستماع انه يجذبك الى مقام قدسه الله عن ذكر الاولين و نباء الآخرين. ان استعد لاصغاء كلمات ربك انها نزلت على شأن تضرع منها عرف القميص بين السموات و الارضين. طوبى لسميع ما منعه الاحزاب و لبصير ما حجبته السبحات و لمقبل ما خوفه اعراض المعرضين. انك اذا فزت بلوح الله و اثره ان اقبل بقلبك الى مطلع الاسماء المقام الذى اشرقت من افقه انوار وجه ربك مولى الورى. قل لك الحمد يا محبوبى و لك الثناء يا مقصودى بما اسمعنى ندائك اذ كنت غافلاً و جعلتنى مقبلاً اذ كنت غافلاً و انطقنى اذ كنت صامتاً اشهد انك انت المقتدر على ما تشاء و فى قبضتك زمام الاشياء لا اله الا انت الغفور الكريم. اى رب لما اسمعنى ندائك لا تمنعنى عن فيوضات ايامك طوبى لهواء فاز بنفحاتك و لارض تشرفت بقدمك و لجبل مرت عليه نسائم وحيك و لرياض تعطر من اوراد حدائق عرفانك. اى رب انا الفقير المسكين و انت الغنى الكريم فانظرنى يا الهى بلحظات عنايتك ثم ارزقنى ما كتبته لاصفيائك الذين نطق بثنائهم كتبك و صفحك و الواحك. اى رب ثبتنى على امرك و ايدنى على خدمتك و وفقنى على الاستقامة على حبك انك انت الذى شهدت الكائنات بقدرتك و اقتدارك و الممكات بعظمتك و سلطانتك لا اله الا انت المتعالى الغفور الرحيم. انتهى فضل و عنايت و شفقت و رحمت حق جل شأنه و عظم كبريائه از آيات منزله از سماء احديه ظاهر و هويده است. اى دوستان الهى قدر خود و اين ايام را بدانيد كه شايد از سهام شياطين و اشارات مغلين محفوظ مانيد و آنچه آن جناب در مكتوب خود اظهار نمودند جميع در ساحت امنع اقدس عرض شد و بكال فضل و شفقت جواب هريك نازل و ارسال شد تا جميع از بحر فيض فياض حقيقى قسمت برند. استدعا آنكه از جانب اين خادم فانى خدمت اولياى

الهی عرض تکبیر و ثنا و سلام برسانید انشاءالله کلّ بما یحبّه الله قیام نمایند و بکمال روح و ریحان در تبلیغ امر محبوب عالمیان جهد بلیغ مبذول دارند این است وصیّت الهی از قبل و بعد. از حق می طلبیم کلّ را به خدمت امرش موفق فرماید بی عنایات او احدی قادر بر امری نبوده و نیست و اینکه این فانی را وکیل نمودید در زیارت حسب الخواش آن جناب در این حین بساحت اقدس توجّه نموده به نیابت آن جناب عمل نمود آنچه مقصود عالمیان است هنیئاً لک ولی و بعد از حضور و عرض و زیارت لسان عظمت به این کلمات ناطق قوله جلّ کبریائه: یا ابا الحسن الحمد لله به عنایات الهیه مرّة بعد مرّة فائز شدی و ذکر اولیای حق و دوستان او را نمودی. نشهد أنّک ذکر اسمائهم و زرت من قبلهم و عرضت ماعملوا فی سبیل الله ربّ العالمین. در فضل الهی تفکّر نما امری را که جمیع من علی الارض بکمال شوق و اشتیاق طالب بودند فائز نشد به او مگر معدودی و تواز فضل و رحمت او به لقا فائز شدی و از کوثر وصال آشامیدی و یومش را ادراک نمودی و موفق شدی بر ذکر احبّایش این مقامات هر یک بسیار بزرگ و بلند است. جهد نما تا به اسم حقّ و عنایت حقّ محفوظ ماند آنّه هو الحافظ العلیم الخیر. انتهى

عرض فانی آنکه چند یوم قبل کلمه از لسان مبارک اصغاء شد که مشعر بود براضطراب بعض نفوس ضعیفه از شبّهاتی که معرضین و مغلّین القاء نموده اند شاید در اقربا هم فی الجمله اثر نموده باشد حسب الامر باید آنچه به آن جناب ارسال شد و همچنین به جناب ورقا علیه بهاءالله الابهی و بعضی اولیاء در ارض طاجع شود تا دوستان الهی مشاهده نمایند آنّه هو الامر الحکیم. و اگر صورت آن به جناب ملاّ رج علیه بهاءالله هم داده شود بسیار محبوبست. البهاء علیک و علی من سمع نصیح المولی و علی الذین شربوا ریحق الاستقامة فی امر الله العزیز البدیع.

خ ا د م فی ۱۴ شعبان سنه ۹۸